

## زیباشناسی دریافت گلستان سعدی نزد مترجمان فرانسوی آن

ژاله کهنمویی پور\*

استاد زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

منیژه قنبری\*\*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۰۹/۱۶، تاریخ تصویب: ۹۴/۰۸/۱۰)

### چکیده

یکی از نظریه‌های مطرح شده در حوزه نقد و بررسی‌های ادبی، نظریه دریافت زیباشناختی است که اندیشمندان مکتب کنستانس خصوصاً هانس روبر یاس<sup>۱</sup> بر پایه هرمنوتیکی برخاسته از اندیشه‌های هانس گئورگ گادامر<sup>۲</sup> آنرا پی ریزی کرده و کانون توجه خود را بر خواننده و دریافت او از اثر در طول زمان متمرکز نمودند. یکی از آثار ادبی ایران زمین که از طریق نخستین ترجمه‌اش به فرانسه در نیمه نخست قرن هفده به ادبیات غرب راه یافت، گلستان سعدی است. از آن زمان تا کنون ترجمه‌های متعددی از این اثر به زبان فرانسه صورت گرفته است. این مقاله سعی دارد تا با توجه به شرایط تاریخی- ادبی ترجمه‌های انجام شده و مفهوم افق انتظار که مفهومی کلیدی در زیباشناختی دریافت هانس روبر یاس ایفا می‌کند علت توجه بخش مهمی از خوانندگان این اثر در طی قرون مختلف در قالب مترجمین آن و در نتیجه علت ماندگاری این اثر فارسی در ادبیات فرانسه را بررسی کند.

واژه‌های کلیدی: هانس روبر یاس، مترجمین گلستان سعدی، افق انتظار، نظریه‌های دریافت، شرایط تاریخی- ادبی.

\* Email: jkahnmoi@ut.ac.ir

\*\* Email: m.ghanbari.fr@gmail.com

1. Hans Robert Jaus
2. Hans Georg Gadamer

## مقدمه

گلستان سعدی اولین اثر ادبی فارسی است که در قرن هفده به زبان فرانسه ترجمه شد و راه داد و ستدهای فکری- فرهنگی دو کشور از طریق آثار مکتوب را گشود. از آن تاریخ تا کنون ترجمه‌های متعددی از این اثر به زبان فرانسه ارائه شده و گلستان سعدی، همچنان که دائماً در آسمان ادبیات ایران درخشیده، نزد غربیان هم دوام خود را حفظ نموده است. در این مبحث سعی بر آن است که با نگاهی هر چند گذرا و اجمالی به اندیشه‌ها و نظریات هانس روبر یاس آلمانی، به جستجوی معنایی پیردازیم که مترجمان فرانسوی به عنوان بخش مهمی از خوانندگان این اثر پارسی در طی زمان در آن یافته‌اند. این اندیشمند آلمانی که یکی از نمایندگان اصلی اکول دو کنستانس<sup>۱</sup> است، به دو قطب مهم در بررسی آثار ادبی، یعنی نویسنده و متن، قطب سوم و مهم دیگری به نام خواننده را هم افزود. البته باید متذکر شد که نخست ژان پل سارتر و بعد از او رولان بارت و پل ریکور، هر یک به نوبه خود، در برخی آثارشان<sup>۲</sup> به اهمیت حضور خواننده در تفسیر متن اشاره کرده‌اند ولی هانس روبر یاس و ولفگانگ ایزر، دیگر پایه‌گذار مکتب کنستانس، نقش خواننده‌ای که افق انتظارش متأثر از مدل‌های زیباشناسی عصر خویش است را در دریافت و ماندگاری اثر بسیار برجسته ساخته‌اند. در واقع این خواننده است که با استقبال اولیه خود از یک اثر و سپس با خوانش‌های پیاپی خود در طول زمان به آن معناهای متفاوتی بخشیده و باعث رهایی آن از فراموشی در ورطه زمان می‌شود.

هانس روبر یاس در کتاب زیباشناسی دریافت (۱۹۷۵، ۶۱) با اشاره به عدم استقبال اولین خوانندگان از دو اثر معروف قرن نوزدهم، مادام بوواری از گوستاو فلوبر و اندوه از شارل بودلر، این پرسش را مطرح می‌کند که بودلر به هنگام انتشار این کتاب چه انتظاری از خواننده هم عصر خود داشت؟ در آن زمان سنت شعر بر چه مبنایی استوار بود؟ شعر بودلر در چه موقعیت اجتماعی- تاریخی متولد شده بود؟ شاعر خود چگونه شعرش را دریافتی بود و خواننده با چه دریافتی به خوانش شعر او رفته بود؟ مسلماً دریافت خواننده هم عصر بودلر به

۱. École de Constance: مکتب کنستانس در اواسط سال‌های ۱۹۷۰ به وسیله اندیشمندی چون هانس روبر یاس و ولفگانگ ایزر پایه‌گذاری شده و نظریات مربوط به زیباشناسی دریافت را ارائه و خوانش متون ادبی و استقبال خوانندگان مختلف از آن‌ها را در دوره‌های متفاوت تاریخ مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. ر.ک. به کتاب رلان بارت با عنوان زمزمه زبان (Bruissement de la langue, 1984, Paris, Seuil). و کتاب پل ریکور با عنوان زمان و حکایت (Temps et récit, 1983, Paris, Seuil).

دلیل عادت به ساختار و محتوای شعر سنتی، جوابگوی بودلر نوپرداز نبود و باید سال‌ها سپری می‌شد تا خواننده قرن بیستم متوجه نبوغ نهفته در شعر وی می‌گشت.

از نظر یاس، تأثیر متن با دریافت آن متفاوت است. تأثیر، رابطه اولین خوانندگان با اثر در زمان نشر آن بوده ولی دریافت، گفتگویی است که مخاطب آزاد و فعال، متناسب با قواعد زیباشناختی دوران خود، با اثر دارد. محتوا و فرم اثر دو مقوله مهم هستند که خواننده آن‌ها را در طی زمان به اشکال گوناگون دریافت می‌کند. قضاوتی که اولین خوانندگان، متناسب با آثار خواننده شده قبلی، در مورد اثر دارند نسل به نسل غنا یافته و در طول تاریخ زنجیره‌ای از دریافت‌ها را تشکیل داده، اهمیت تاریخی اثر را تعیین کرده و رده‌ی آن را در میان سلسله مراتب زیباشناختی مشخص می‌کند.

ایزر نیز در کتاب عمل خوانش نظریه زیباشناسی تأثیر (۱۹۹۵) پس از پرداختن به مسئله تأثیر نوشته ادبی در خواننده واژه «کنش» را مناسب‌تر می‌بیند. او به تعامل بین خواننده و متن می‌پردازد و معتقد است که متن مملو از کنش‌هایی است که در روند خوانش آن، در دوره‌های مختلف، به روز می‌شوند. او هم‌چنین می‌گوید: مفهوم یک نوشته ادبی حاصل توصیف و تحلیل آن نیست بلکه حاصل کارکرد همین کنش‌هاست. به جای اینکه در برابر یک اثر ادبی از خود سؤال کنیم این شعر، این نمایشنامه یا این رمان چه معنی و مفهومی را در خود نهفته است، باید از خود پرسیم در زمان خوانش متن چه اتفاقی در ذهن خواننده رخ می‌دهد و چه تخیلاتی بر او چیره می‌شوند؛ یعنی اثر ادبی به یک سلسله مفاهیم ممکن در تخیل خواننده جان می‌دهد که تفسیر این تخیلات متناسب با موقعیت‌های متفاوتی که عمل خوانش در آن رخ می‌دهد متفاوت است.

یاس اثر ادبی را نه همچون مارکسیست‌ها، محدود به بعد تاریخی و اجتماعی آن می‌داند و نه آن را، همچون فرم‌گرایان، محدود به بعد زیباشناختی‌اش می‌کند. اثر ادبی به مثابه یک شیء با ظاهری ثابت در هر زمان و برای هر فرد نیست، بلکه متن از مادیت کلمات جدا شده و برای هر خوانش پاسخ جدیدی به همراه دارد. او با پیروی از روش هرمنوتیکی گادامر و هایدگر<sup>۱</sup> ادبیات را بعنوان پاسخی در مقابل پرسش خواننده مطرح می‌سازد. در نظریات او «افق انتظار» واژه‌ای محوری به شمار می‌رود؛ در واقع خواننده، اعم از خواننده عام، منتقد، مترجم و نویسندگان دیگر ...، متناسب با شرایط تاریخی - اجتماعی عصر خویش و نیز تجربیات ادبی

حاصل از آثار خواننده شده قبلی، سؤالی از اثر دارد که همان افق انتظار او را تشکیل می‌دهد. او با خوانش خود در پی یافتن پاسخی برای سؤال خویش بوده و اثر می‌تواند با افق انتظار وی همخوانی کامل یا ناقصی داشته باشد. در نهایت، نتیجه این خوانش ممکن است در قالب تغییر در افق انتظار فرد، تحول در رفتار اجتماعی وی و یا باز آفرینی اثر در اشکالی دیگر متجلی شود.

طبق نظر یاس، در بررسی یک اثر باید به دنبال سؤال اولیه و نحوه پاسخ‌دهی متن به آن بود که این عمل همیشه با حرکت از زمان حال و افق انتظار کنونی صورت می‌گیرد و بدین ترتیب اختلاط افق‌ها صورت می‌گیرد. یافتن این سؤال باید نه به طریقی ناملموس بلکه با حرکت از خواننده‌ای باشد که ردی از خوانش خود بر جای گذاشته است یعنی با حرکت از یک مؤلف. بر همین اساس، در این مقاله با نگاهی به شرایط تاریخی-ادبی جامعه به دنبال بازسازی افق انتظار مترجمان فرانسوی گلستان سعدی، به عنوان بخش خاصی از خوانندگان که نتیجه خوانش خود را در طی قرون مختلف در قالب شکلی دیگر باز آفرینی کرده‌اند، و سؤالات احتمالی و پاسخ دریافتی آنان از این اثر خواهیم بود.

### قرن هفدهم و نخستین برخورد فرانسویان با گلستان سعدی

اولین مواجهه فرانسویان با این اثر ادبی ایرانی از طریق ترجمه‌ای به قلم آندره دوریه<sup>۱</sup> بوده است. از آنجا که طبق نظر یاس آفرینش ادبی همیشه با هدف دریافت توسط یک جامعه صورت می‌گیرد و در بررسی زیباشناسی دریافت توجه به سه مؤلفه اثر، نویسنده و مردم حائز اهمیت است، مترجم مذکور، با توجه به اینکه ردی از خوانش خود بر جای گذاشته همزمان هم در جایگاه نویسنده و هم در جایگاه خواننده، یا در معنای وسیع آن مردم، قابل بررسی است. آندره دوریه دیپلمات و کنسول فرانسه در مصر بود که مدتی را هم در قسطنطنیه گذراند. او ترجمه خود را با عنوان گلستان یا کشور گل‌ها را در سال ۱۶۳۴ انجام داد و سعدی را سلطان شعرای ترک و پارس نامید که این امر نشان از اختلاط اقوام نزد وی و عدم آشنایی عمیق اروپاییان با تمدن شرق می‌دهد زیرا عمر چندانی از این آشنایی که از اواخر قرن

۱. در این مبحث برای شرایط تاریخی-ادبی جامعه فرانسه از دو اثر فرانسوی *Précis d'histoire de la littérature française* نوشته Pierre Salomon و نیز *Précis de littérature: par siècle, par genre* نوشته René Doucet و Étienne Calais استفاده شده است.

شانزدهم و به لطف گشایش راه‌های دریایی شروع شده بود نمی‌گذشت. او در سال ۱۶۳۰ سمت مترجم زبان‌های شرقی را در دربار عهده‌دار می‌شود.

مطالعه خواننده، مردم یا جامعه دریافت کننده اثر خود در برگیرنده مطالعه جمیع شرایط تاریخی، ادبی و اجتماعی است که در شکل‌گیری افق انتظار او نقش ایفا می‌کنند. از نظر تاریخی، دربار فرانسه که آشوب‌ها و جنگ‌های مذهبی سده پیشین را از سر گذرانده است در پی ایجاد یک نظم سیاسی پایدار است. یکی از راه‌های نیل به این هدف نظم بخشیدن به ادبیات برای استفاده در جهت مقاصد خویش است. ریشولیو، وزیر قدرتمند لویی سیزدهم، در سامان بخشیدن به هر دو زمینه ادبیات و سیاست کوشش فراوان به خرج داد و طبیعی است که سایر درباریان، از جمله آندره دوریه، هم با مقاصد دربار همراهی کنند گرچه تا سال‌ها تعارض در تمام زمینه‌های سیاسی، ادبی و مذهبی هم‌چنان مشهود باقی می‌ماند.

در این زمان، فرانسه دوره رنسانس را پشت سر گذاشته و با دو جریان ادبی مواجه است: یکی مکتب در حال شکل‌گیری کلاسیسیسم که در ادامه سبک و سیاق اومانیزم‌های قرن شانزدهم، بر تقلید از باستانیان رومی و یونانی و نیز اخلاق مداری آثار استوار بوده و نظم را بر نثر برتری می‌دهد و بالاخره سال‌ها بعد در اثر تلاش‌های ریشولیو و دیگران به بار می‌نشیند؛ دیگری جریان باروک<sup>۱</sup> که چه در منبع الهام و چه در سبک نوشتن خواهان آزادی و رهایی از قید و بند است. در واقع این دو جریان افق انتظار خواننده زمان را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، خواننده یا خواهان اثری رها شده از قید و بند چهارچوب‌های مطلق است، یا اثری تنظیم یافته در قالب‌های خاص و تعریف شده همچون تراژدی، کمدی و حماسه را می‌طلبد، یعنی اثری که ضمن پیروی از مبانی عقلی و اصول زیبایی، تقویت اخلاق را اولویت ببخشد.

از نظر یاس، در بررسی زیباشناسی دریافت، برای بازسازی افق انتظار خواننده، همیشه باید فرض را بر این گذاشت که خواننده کدام آثار قبلی را می‌شناسد زیرا افق حال نمی‌تواند بدون گذشته شکل گرفته باشد و بدون آگاهی از این مطلب، امکان دستیابی به نحوه درک خواننده زمان از اثر و سؤالاتی که اثر به آن‌ها پاسخ داده وجود ندارد. بر همین اساس، فرانسویان نیمه ابتدایی قرن هفدهم باید با روحیه طنزآمیز رابله<sup>۲</sup> و اصول توصیه‌ای مونتینی<sup>۳</sup> برای

1. baroque

2. Rabelais

3. Montaigne

کسب حکمت و پرورش متعادل ابعاد جسمی و روحی، هم سو با اندیشه‌های اومانیزم‌های قرن شانزدهم و مقدمه ساز شکل‌گیری ایده‌آل «انسان شریف»<sup>۱</sup>، آشنا باشند.

حال، گلستان سعدی گرچه، برخلاف اصول توصیه‌ای مبتنی بر پرهیز از اختلاط سبک‌ها، دو سبک نظم و نثر را به گونه‌ای زیبا درهم آمیخته و تا حدی مطابق با خواست آزادی در نزد گروهی از خوانندگان است ولی از آنجا که اثری تقسیم یافته به باب‌های هشت گانه و در برگیرنده حکایت‌های کوتاه است از نظر ساختاری اثری نو به شمار می‌رود. باید گفت که از نظر یاس، اثر ادبی حتی هنگام انتشار هم نوی مطلق محسوب نمی‌شود و بصورت آشکار یا پنهان دارای مجموعه‌ای از اعلان‌ها و علایم است که رفتارهای ناواضح، خصوصیات آشنا و جامعه‌ای که برای شیوه‌ای از دریافت آماده شده است را برمی‌انگیزند. بنابراین هرچند اثر ترجمه شده ایرانی از نظر ساختاری باید منتظر بماند تا افق انتظار متناسبی که خود نیز در شکل‌گیری آن نقشی به عهده خواهد داشت ایجاد شود، از نظر مضمونی با افق انتظار مردم زمانه سازگاری دارد، چرا که شاعر ایرانی همچون رابله، گفتاری «طرب انگیز» و «طبیست آمیز» (گلستان: ۶۰۹) داشته و با ایجاز کامل «داروی تلخ نصیحت به شهد ظرافت برآمیخته» (همان: ۶۱۰) و همچون مونتینی، در همه حال رعایت اعتدال را توصیه نموده و مقدم می‌دارد. اثر وی گرچه برخاسته از اصول باستانی یونان و روم نیست و از این نظر خواسته پیروان مکتب کلاسیسیسم را تأمین نمی‌کند ولی می‌تواند در تکامل اخلاقیات جهان‌پسند، متناسب با موازین عقلی و ایده آل «انسان شریف» و رساندن دربار به هدف خود در برقراری نظمی مبتنی بر اخلاق کارآمد واقع شود.

باید این نکته را یادآور شد که مالرب که شاعر رسمی دربار و از سردمداران ایجاد مکتب کلاسیسیسم بود هم بر استفاده از دستورزبانی صحیح و سبکی ساده و روشن و پرهیز از استفاده افراطی از آرایه‌ها تأکید می‌نمود. مطابق با همین موازین و نیز به این دلیل که ترجمه از زبان‌های شرقی در ابتدای راه خود بوده، مترجم فرانسوی که خود در سال ۱۶۶۹ بانی مدرسه جوانان مترجم می‌شود و به زحمت نیمی از متن فارسی را به فرانسه برگردانده است توجه خود را بیشتر به بیان ساده و شیوا در زبان مقصد معطوف داشته و ترجمه‌ای وفادارانه ارائه نمی‌دهد.

۱. انسان شریف قرن هفدهم «آنچنان که فاره Faret در کتابی با همین عنوان (انسان شریف: ۱۳۶۰) او را به ما می‌شناساند، فردی است برخاسته از جامعه اشراف یا از جامعه سطح بالای بورژوازی، که در تمام امور جانب تعادل را نگه می‌دارد» (فرهنگ توصیفی نقد ادبی: ۱۳۸۱، ص. ۱۳۸)

### قرن هجدهم و هم سویی اعتقادات اخلاقی سعدی با اندیشه‌های نویسندگان فرانسوی

قرن هجدهم در تداوم قرن پیش و بر پایه تعالیم دکارت حکومت عقل و تفکر و فلسفه را ترویج می‌کند و به همین دلیل عصر روشنگری نام گرفته است. سعدی شیراز در حالی به این قرن قدم می‌گذارد که اثرش بدلیل وجود در مجموعه آثار پیشین، طبق نظر یاس، یکی از عناصر تشکیل دهنده افق انتظار خوانندگان زمان پس از خود می‌شود. نام وی از طریق ترجمه‌های اثرش دو بار به این سده راه می‌یابد یکی در سال‌های نخستین و دیگری در سال‌های پایانی قرن که به تفکیک آن دو می‌پردازیم.

ترجمه مربوط به سال ۱۷۰۴: این ترجمه را شخصی به نام دالگر<sup>۱</sup> با عنوان شرح آداب شاهان انجام داده است. گرچه اطلاعاتی از مترجم در دست نیست ولی از آنجا که ترجمه‌اش تنها باب اول را شامل می‌شود سؤالاتی چند را مطرح می‌سازد: چرا وی تنها این باب را مد نظر قرار داده و از سایر قسمت‌ها چشم پوشی کرده است؟ او چه سؤالی از اثر داشته و این مبحث پاسخگوی چه نیازی از او بوده است؟ این سؤالات در بررسی زیباشناسی دریافت نقشی محوری دارند و پاسخ آن‌ها را، چنان که یاس می‌گوید، باید در خود اثر جستجو کرد زیرا تصویر مخاطب و دریافت اثر تا حد زیادی در خود اثر و رابطه‌اش با آثار پیشین که بعنوان نمونه و قاعده فرض شده‌اند ثبت است.

یاس، هر گاه اطلاعات کافی وجود داشته باشد، بیشتر به تحلیل انتظارات، قاعده‌ها و نقش‌های برون ادبی که بوسیله محیط اجتماعی تعیین می‌شوند و نقشی سوق دهنده در زیباشناسی خوانندگان ایفا می‌کنند، می‌پردازد. در واقع، مطالعه شرایط تاریخی، اجتماعی و ادبی در بازسازی افق انتظار هر دورانی ضروری است. از طرفی این شرایط در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند. حال، فرانسه، در این برهه از زمان، دوران استیلای بلا منازع مکتب کلاسیسیسم و پس از آن نزاع نو کهنه را پشت سر گذاشته است. انحطاط مکتب کلاسیسیسم به موازات ضعف و زوال تدریجی حکومت مطلقه و استبدادی لویی چهاردهم و به دنبال آن بروز مشکلات متعددی در حوزه مذهب، اقتصاد و روابط خارجی... و در نتیجه کاهش اقتدار فرانسه اتفاق افتاده بود. در دوران استبداد مطلقه این پادشاه، نویسندگان که استقلال مالی نداشته و مقرری دریافتی آنان بوسیله پادشاه و دربار تعیین و پرداخت می‌شد جرأت انتقاد از حکومت

ولی نعمت خود را نداشتند. لافونتن قبلاً با اقتباس<sup>۱</sup> از بعضی از حکایات سعدی و آوردن آن‌ها در قالب ماجراها و داستان‌هایی از زبان حیوانات، به گونه‌ای در نقد حکومت کوشیده و کینه شاه را نسبت به خود افروخته بود؛ از این رو می‌بایست بدنبال شیوه‌های دیگری بود تا بتوان هم از حکومت انتقاد کرد و هم از تیغ غضب و انتقام سران مصون ماند.

براساس نظریه یاس، هر متن جدید برای خواننده یا شنونده افق انتظارها و قوانین بازی که متون قبلی وی را با آن‌ها آشنا کرده‌اند بر می‌انگیزد. دومین ترجمه گلستان سعدی در زمانی اتفاق می‌افتد که به دنبال نزاع نو و کهنه، نسبت ارزش‌ها و تنوع ذوق جای خود را باز یافته و سفرنامه‌هایی همچون سفرنامه تاورنیه درباره تمدن و حکومت ایرانیان و نیز نمایشنامه‌ها و رمان‌هایی همچون استرو میتریدات راسین، رودوگون و سورنای کورنی، کوروش کبیر مادموازل دو اسکودری<sup>۲</sup> و غیره، با استفاده از شخصیت‌های ایرانی منتشر شده بود. سعدی در باب اول این اثر که در سیرت پادشاهان نام گرفته، از راه و رسم حکومت داری، عاقبت خشم و عطفوت پادشاهان، توصیه به رعایت حال زیردستان و ... سخن گفته است. این مضامین به خوبی با افق انتظار خوانندگان که، مطابق با آرمان‌های عصر روشنگری، خواهان «جامعه‌ای آرمانی مبتنی بر خرد و عدالت» هستند (انقلاب فرانسه: ۹) مطابقت دارد. به گفته دکتر جواد حدیدی «در قرن هفده سعدی اخلاق دان و داستان پرداز بود که کنجکاوی (غریبان) را برمی‌انگیخت، و در عصر روشنگری جنبه‌های انتقادی حکایات او» (از سعدی تا آرگون: ۹۸). بدین ترتیب، اثر نویسنده‌ای شرقی که با زبانی ناصح پادشاهان را مورد خطاب قرار می‌دهد و اعلام می‌دارد که «پادشاهی که طرح ظلم افکند/ پای دیوار ملک خویش بکند» (گلستان: ۷۱) می‌تواند چهره‌ای از نقد غیرمستقیم باشد و درخواست منتقدان حکومت را پاسخ دهد.

ترجمه متعلق به سال ۱۷۸۹: در این سال آبه ژاک گودن<sup>۳</sup> ترجمه کاملی از گلستان را همراه اثری بنام جستاری تاریخی بر قانون‌گذاری<sup>۴</sup> پارس منتشر می‌کند. ترجمه گودن که

۱. اطلاعات مربوط به اقتباس نویسندگان فرانسوی عموماً بر پایه کتاب از سعدی تا آراگون نوشته دکتر جواد حدیدی و نیز عنوان مقالاتی همچون سعدی و لافونتن و ولتر در مکتب سعدی و ... بوده است. باید گفت که تعداد این نویسندگان در طی قرون بسیار زیاد بوده و در این مقاله تنها اشاراتی گذرا به برخی از آن‌ها شده است.

۲. *Mithridate* آثار Racine؛ *Rodogune* و *Suréna* آثار *Le Grand Cyrus*؛ *Corneille* اثر Mlle de Scudéry.

3. Abbé Jacques Gaudin

4. *Essai historique sur la législation de la Perse*



براساس ترجمه لاتینی ژانتیوس<sup>۱</sup> صورت گرفته، شکلی آزاد داشته و وی متناسب با ذائقه خود قسمت‌هایی را حذف و یا ملایم‌تر نموده است که این مسأله نشان از دریافتی منتقدانه در پی عمل خوانش اثر است. از آنجا که، مطابق با آنچه تا کنون گفته شد، افق انتظار گذشته جزئی از افق انتظار حال را تشکیل می‌دهد، مضامین این اثر هنوز هم با انتظار خوانندگان مطابقت دارند. ولی اگر اثری دائماً به دوران پس از خود راه یابد و به عبارت دیگر تاریخی شود بدین معنی است که از پتانسیل معنایی بالایی برخوردار است زیرا هر خواننده در بطن تاریخی خود سؤالات جدیدی مطرح می‌کند تا معنای متفاوتی در پاسخ اولیه‌ای که دیگر چندان قانع کننده نیست بیابد و از نظر یاس، سؤال مخاطب و نحوه پاسخ‌دهی متن را باید در خود اثر جستجو کرد.

برای دستیابی به افق انتظار خواننده زمان یا درخواستی که وی از متن دارد یافتن پاسخ این پرسش‌ها اجتناب ناپذیر است: در زمان انتشار، فرانسه چه دوران تاریخی را می‌گذرانده است؟ نویسنده چه هدفی را دنبال می‌کرده است؟ خواننده با چه متونی آشنا بوده و متن جدید چه پاسخی برای او به همراه دارد؟

این اثر در سال وقوع انقلاب کبیر فرانسه، که در اثر ایجاد شکاف طبقاتی عمیق اتفاق افتاد، منتشر شد. از ابتدای این قرن انتقاد از حکومت رواج یافته و نویسندگان فیلسوفی چون ولتر، مونتسکیو، دیدورو، روسو<sup>۲</sup> و دیگران از طریق آثار خود در نقد بی‌عدالتی‌های اجتماعی کوشیده و زمینه بروز این واقعه بزرگ را فراهم ساخته بودند. از طرفی، در اثر گسترش روز افزون ارتباط و آشنایی با مشرق زمین، نام ایران، تمدن پرشکوه آن و نیز روحیه تساهل مذهبی مردمان آن سرزمین در سراسر قرن بسیار طنین‌افکن بوده و نویسندگان در قالب شخصیت‌هایی با نام‌های ایرانی به بیان دردهای اجتماعی و ضعف‌های قانونی و حکومتی پرداخته بودند.

مقایسه آثار نویسندگان این دوره و مضامین به کار برده شده در اثر شاعر شیرازی نشان می‌دهد که شباهت و قرابت بسیاری میان معتقدات حکما و گویندگان اخلاقی ایران با نظریات فلاسفه فرانسوی قرن هجدهم وجود داشته است. (فرهنگ سعدی پژوهی، ۳۷۹). از این رو، ولتر و دیدورو هم برای بیان اندیشه‌های فلسفی خود به اقتباس و گاه ترجمه جزئی بخش‌هایی از گلستان سعدی پرداخته بودند ولی آن‌ها هم مانند سعدی یک نظریه فلسفی کلی که دنیا و جای بشر را در آن تعیین کند از خود بر جای نگذاشته و تنها جنبه‌هایی از تفکر خود را بروز

1. Gentius

2. Voltaire, Montesquieu, Diderot, Rousseau

داده‌اند. در این دوره بحث آزادی و آزاد اندیشی ترویج می‌شود، با این حال، فلاسفه‌ای چون ولتر در آزادی کامل مردم عامی تردید داشته و وجود پادشاه را برای فرمان راندن بر آنان لازم می‌داند (انقلاب فرانسه، ۲۷)؛ مونتسکیو و روسو نیز، علیرغم انتقاد شدید از حکومت، شکل متعادلی از مانارشی را قبول داشتند و لذا اندیشه‌های سعدی که به وجود پادشاهی خردمند و توانا برای حکومت بر رعایا اعتقاد دارد (فرهنگ سعدی پژوهی، ۵۳۵) با نظر آنان و افق انتظار خواننده زمان منافاتی ندارد.

از همان ابتدای قرن داعیه نوجویی و جهان وطنی ادبی و آزادی در هنر جوانه زده بود، با این وجود مفهومی که به آزادی در هنر داده می‌شد هنوز محدود بود و تنها معنا و مضمون را شامل می‌شد (حدیدی، ۱۳۵۶، ۱۰۳)، لذا در این قرن ادبیات همان ساختار کلاسیک قرن پیشین را داشته و اولویت اصلی، حتی در درام بورژوا که نوآوری دوران محسوب می‌شود، دادن درسی اخلاقی است. از این رو، علاوه بر مضامین اخلاقی اثر ایرانی، متناسب با اوضاع تاریخی فرانسه «آن دسته از حکایاتی که سعدی در باز گفتن دردهای اجتماعی آورده است بیشتر از دیگر حکایت‌ها توجه خوانندگان را جلب می‌کرد» (حدیدی، ۱۳۷۳، ۹۰). گلستان سعدی متناسب با شعارهای انقلاب، درس برابری و برادری داده و بانگ «بنی آدم اعضای یکدیگرند» که در آفرینش ز یک گوهرند» (گلستان: ۷۹) را سر می‌دهد. شیوه‌های حکومت‌داری، و توصیه‌هایی که سعدی به عوامل حکومتی دارد، همگام با تعالیم فلاسفه، پاسخی متناسب به درخواست خواننده‌ای که خواهان عدالت اجتماعی است ارائه می‌دهد. او از نصیحت به پادشاهان و امرا ابایی ندارد؛ هشدار به امیران و دعوت آنان به رعایت حال ضعفا در قالب پیام‌هایی همچون «آنان که دست قوت ندارند سنگ خورده نگه دارند تا بوقت فرصت دمار از دماغ ظالم برآیند» (همان، ۵۶۱) جلوه می‌کند و عناصر لازم را در اختیار طبقه سوم جامعه که طیف وسیع و ناهمگونی متشکل از بورژواهای ثروتمند و فاقد امتیاز، کشاورزان، مردم تهیدست شهرها، کارگران و پیشه‌وران را در برمی‌گرفت قرار می‌دهد (تاریخ فرانسه، ۱۱) تا آگاهی سیاسی آنان را کمال بخشیده و بتوانند در مقابل نابرابری‌ها قد علم کرده و انقلابی بزرگ را رقم زنند.

۱. در متن اصلی منبع مورد استفاده این مقاله واژه «یکدیگرند» آمده است که، مطابق با اصل وفاداری، عین مطلب درج شده است؛ البته نویسنده خود در پاورقی به واژه «یک پیکرند» که در بعضی نسخ دیگر به کار رفته است نیز اشاره کرده و آن را مناسب‌تر می‌بیند.

### قرن نوزدهم و تشابه مضامین موجود در آثار نویسندگان عصر رمانتیک و گلستان

طبق نظریه‌های دریافت، هرگاه ادبیات موضوع تجربه ادبی معاصرین، متأخرین، خوانندگان، منتقدان و مؤلفان براساس افق انتظار خود آن‌ها قرار گیرد، تداومی یکپارچه می‌یابد. گلستان سعدی که از دو سده قبل با فرانسویان همراه شده، در این قرن که ناپایداری سیاسی شاخص‌ترین چهره آن است سه مرتبه از طریق ترجمه به محافل ادبی راه می‌یابد. از آنجا که یک گذشته به حال راه نمی‌یابد مگر اینکه دریافت جدیدی آن را به آنجا رهنمون شده و در آن چیزی یافت شود که قبلاً وجود نداشته است، باید دید که خوانندگان این دوران چه برداشتی از اثر ایرانی داشته و برای رفع کدامین نیاز به سراغ آن رفته‌اند.

سال ۱۸۰۷: در این سال ترجمه‌ای توسط تانکوئی<sup>۱</sup>، دانش آموخته مدرسه زبان‌های شرقی و مترجم ژنرال گاردن<sup>۲</sup> که، به دستور ناپلئون، برای انجام مأموریتی به ایران سفر کرده بود انجام شد و تنها مقدمه و چند باب اول را شامل می‌شود. در این برهه از تاریخ، انقلاب که فرزند عصر روشنگری است به علت افراط در ایجاد وحشت به شکست آرمان‌های آزادی و شکست‌ناپذیری توصیه شده توسط فلاسفه منجر می‌شود. ناپلئون که اعتقاد دارد «جامعه بدون نابرابری ثروتها امکان موجودیت ندارد» (تاریخ فرانسه: ۱۱۵)، پس از روی کار آمدن به تدریج تمام اختیارات را در دست گرفته و در سال ۱۸۰۴ خود را امپراتور می‌نامد. بر همین اساس، فرانسه دوره احساسی خاصی را می‌گذراند.

قبل از انقلاب و پس از آن، تحت تأثیر مسائل سیاسی، نویسندگان متعددی چون روسو، سه نانکور، شاتو بریان<sup>۳</sup> و... که مقدمه‌ساز مکتب رمانتیسم هستند از زبان اول شخص - که نمادی از راوی و نویسنده است - به بیان احساسات شخصی خود پرداخته بودند و در آن زمان، سخن گفتن از خود، در قالب نثری شاعرانه و موزون، با افق انتظار خوانندگان هماهنگی می‌یابد. خواننده دردمند این دوران در آثار ادبی به دنبال انعکاس تصویری از احساسات خود در قالب زبانی دلنشین است. علاوه بر این جهان وطنی ادبی هم که از قرن هجدهم باب شده بود، اکنون به اندازه کافی استحکام یافته و مدرسه زبان‌های شرقی که در سال ۱۷۹۵ تأسیس شد باعث وفور تدریجی آثار ادبی مشرق زمین می‌شود. از طرفی امپراتوری جدید نیز سانسور شدیدی نسبت به ادبیات اعمال می‌کند و تنها آثار آموزشی و توصیفی اجازه انتشار می‌یابند.

1. Tancoigne

2. Gardane

3. Rousseau, Senancour, Chateaubriand

مطابق با اندیشه‌های یاس، خواننده با بینشی که نسبت به دنیا و زندگی دارد به خوانش یک متن پرداخته و موفق به گفتگو با آن برای استخراج معناهای جدید می‌شود. بینش او انتظارهایی ملموس در ارتباط با منافع، امیال، علایق، نیازها و تجارب وی که بوسیله جامعه یا طبقه مربوطه و نیز زندگی فردی‌اش تعیین می‌شوند را در بر می‌گیرد. در این زمان خواننده با توجه به دوران تاریخی و اجتماعی که در آن قرار گرفته «رفته رفته جنبه‌های احساسی و توصیفی گلستان» (از سعدی تا آراگون: ۲۹۳) را مطابق با ذائقه خود می‌یابد ولی دریافت او تنها به مضامین گلستان محدود نمی‌شود.

تجربه زیباشناسی بر دو جنبه فرم و معنا استوار است، یعنی اثر هم باید فرمی هنری داشته و میان زبان روزمره و شاعرانه تمایز قائل شود و هم پاسخی برای یک سؤال داشته باشد. تا این مقطع زمانی مضامین گلستان بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و این اثر از نظر ساختاری فاصله‌ای زیباشناختی با تولیدات دیگر داشته است. از نظر یاس فاصله زیباشناختی برای اثر یک مزیت به شمار می‌رود ولی اگر این فاصله بیش از حد باشد و اثر در استفاده از قواعد زیباشناختی غیر منتظره راه افراط پیموده باشد دچار گسستگی از انتظار خواننده می‌شود، حال آنکه فاصله زیباشناختی مشخص مستلزم بینش جدیدی است که برای اولین خوانندگان منبعی از لذت و حیرت بوده و برای خوانندگان بعد کم کم محو شده و تبدیل به جزیی از افق انتظار آنان و معیاری برای ارزیابی آثار آینده می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت که، در این دوره، بخشی از ویژگی‌های ساختاری اثر پارسی افق انتظار خود را یافته و در آفرینش‌های ادبی مؤثر واقع می‌شود زیرا بیشتر حکایات گلستان، همچون بسیاری از آثار این دوره، از زبان اول شخص است و نثری شاعرانه، مسجع و موزون دارد. بدین ترتیب، سعدی که نامش از طریق آثار متعددی همچون نمایشنامه گلستان یا محلل سمرقند (۱۸۰۵) اثر پوآسن دو لا شابوسی یس<sup>۱</sup> برای خواننده آشنا می‌نماید هم از طریق مضامین توصیفی و تربیتی و هم از طریق جنبه‌های ساختاری اثر خود خواننده را جذب نموده و پاسخی به نیازهایش ارائه می‌دهد.

سال ۱۸۳۴: سمله<sup>۲</sup>، استاد مدرسه زبان‌های شرقی، در سال‌های اوج شکوفایی مکتب رمانتیسیم ترجمه‌ای کامل از گلستان ارائه داد و در رعایت امانت‌داری کوشید هرچند ترجمه وی ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است و انعکاس دهنده تمامی روح اثر نیست.

اصل اولیه مکتب رمانتیسیم بر آزادی در الهام و گریز از قوانین مطلق استوار است. او

1. *Gulistan ou le hulla de Samarcande* اثر Poison de la Chabeussière.

2. Semelet

داعیه گسستن از سنت‌هایی را دارد که اثر شاعر ایرانی مدت‌هاست در آن جای گرفته است. با این وجود اثر سعدی راه خود را در دل این مکتب هم باز می‌کند. به گفته هانس رویر یاس، سه عامل در تاریخی شدن ادبیات نقش دارند: سیستم ادبی در یک مقطع از زمان، دریافت آثار ادبی در طول دوران‌ها و نیز ارتباط میان تحول درونی ادبیات و تاریخ در معنای وسیع آن.

قرن نوزده، در حقیقت، قرن پیچیدگی‌ها، تناوب حکومت‌ها و، به تبع آن، تناوب مکتب‌های ادبی است. پس از ناپلئون و بازگشت رژیم سلطنتی سابق، جمهوری خواهان، در ژانویه ۱۸۳۰ انقلابی دیگر صورت می‌دهند ولی برخلاف انتظار آنان، که در آرزوی روی کار آمدن رژیم پایدار و حافظ دستاوردهای دو انقلاب هستند، شاخه دیگری از خانواده پادشاهی سکان حکومت را در دست می‌گیرد. همین سرخوردگی‌های پیایی است که منجر به پیدایش و پیشرفت مکتب رمانتیسم می‌شود. خوانندگان و نویسندگان این دوران، به منظور گریز از وقایع تلخ زمان، به سوی ادبیات کشورهای بیگانه سوق داده می‌شوند و بیش از پیش جهان وطنی ادبی را قوت می‌بخشند. آن‌ها در ادامه راه کسانی چون روسو، سه نانکور، شاتوبریان و غیره در آثار منظوم و مثنوی خود به بیان «بیماری قرن» و حالت‌های روحی قهرمانانی می‌پردازند که در حالتی حاکی از یأس و غم و اندوه فرو رفته، سرشتی ناسازگار با دنیا داشته، قدرت عمل را از دست داده و در زیر فشار انبوهی از احساسات ناکارآمد و متناقض له می‌شوند.

در این میان، به علت فعالیت‌های مدرسه زبان‌های شرقی، آشنایی با زبان فارسی افزایش می‌یابد چنانکه تانکوانی و سمله هر دو برخاسته از همین مدرسه بوده‌اند. اشتیاق نویسندگان رمانتیک نسبت به ادبیات بیگانه آن‌ها را به سوی مشرق زمین هدایت می‌کند و شاعران این سرزمین هم منبع الهام قرار می‌گیرند چنانکه دکتر حدیدی رمانتیسم را «وارث ادبیات کشورهای مختلف شرق و غرب، شکننده سنت‌های کهن، دوستدار جهان وطنی ادبی» (۱۳۵۶، ۱۷۸) تعریف کرده و رمانتیسم و خاورشناسی را همزاد می‌داند (همان، ۱۸۳). بیشتر شاعران و نویسندگان رمانتیک از جمله هوگو و لامارتین خود را خاورشناس نامیده و بسیاری از مضامین چون «ناپایداری جهان و گذر عمر و پوچی قدرتها و آرزوها» (از سعدی تا آراگون، ۲۹۸) را از شاعران مشرق زمین گرفتند. در این میان، اثر سعدی، بدلیل ترجمه‌های متعدد، بیشتر از همه در دسترس بوده و «از این رو هوگو، و پس از او دیگر شاعران رمانتیک، سرچشمه الهام خود را در سعدی» می‌یابند (حدیدی، ۱۳۵۶، ۱۲۰).

باید گفت که با توجه به رواج خاورشناسی، اثر ایرانی بیش از هر چیز منبع لذت است. طبق نظریه‌های دریافت، لذت اساس تجربه زیباشناسی است چرا که آثار، در وهله نخست،

برای لذت خلق شده‌اند؛ این حالت فرد را از دغدغه‌های روزمره خارج ساخته و به او امکان می‌دهد خود را برای سایر تجارب آماده سازد. هنر گذشته از طریق لذت زیباشناختی، اغلب رهایی‌بخش و آفریننده قواعد اجتماعی است. از طرفی، آثار یک دوره با سبکی غالب نقش اساسی در تدوین انتظارات خوانندگان ایفا می‌کنند. بر همین اساس، وجوه مشترک فراوان میان مفاهیم بکاربرده شده در گلستان سعدی و مضامین مورد علاقه نویسندگان رمانتیک از قبیل اعتقاد به جبر سرنوشت، عشق، سفر، خاطره، مناظر طبیعی، گذر زمان، مرگ و کاربرد زبان اول شخص... این اثر را با طبع خوانندگان مطابقت می‌بخشد. برخی از این مضامین را سعدی به زیبایی ترسیم کرده است: «هر دم از عمر می‌رود نفسی / چون نگه می‌کنم نماند بسی»، «هر که آمد عمارتی نو ساخت / رفت و منزل بدیگری پرداخت»، «یار ناپایدار دوست مدار / دوستی را نشاید این غدار» (گلستان: ۲۰-۱۹) و... علاوه بر این نویسنده رمانتیک خود را ملزم به تعهدی اجتماعی و مأموریت هدایت بشر به سمت آینده‌ای بهتر می‌داند. شاعر شیراز نیز خود را در برابر جامعه مسئول می‌داند (فرهنگ سعدی پژوهی، ۱۴۸) و خواننده آن زمان نمایشنامه‌های زیادی را می‌شناسد که در آن‌ها «سعدی مقام رهبری و ارشاد را دارد و برای تهذیب اخلاق مردم و یا انتقاد از جامعه سخن می‌گوید» (برخورد اندیشه‌ها، ۱۶۵)؛ خود نیز هدف از تألیف اثرش را چنین بیان می‌کند: «مراد ما نصیحت بود و گفتیم / حوالت با خدا کردیم و رفتیم» (گلستان، ۴۳). همه این موارد اثر ایرانی را با افق انتظار خواننده سازگار نموده و به او کمک می‌کند تا در گفتگویی فعال با اثر وارد شده و معانی و پاسخ‌های مورد نیازش را در آن جستجو کند.

سال ۱۸۵۸: در این سال، شارل دفرمری<sup>۱</sup> شرق‌شناس و متخصص تاریخ و ادبیات عرب و فارسی و صاحب کرسی در مدرسه زبان‌های شرقی کامل‌ترین ترجمه از گلستان را - که تا آن زمان انجام شده بود - در سبکی شیوا و به همراه یادداشت‌های تاریخی، جغرافیایی و ادبی منتشر می‌کند که بارها تجدید چاپ می‌شود. این امر گواهی بر بالا بودن پتانسیل معنایی اثر فارسی است که به شکلی تدریجی و از خلال تغییر آفاق تجربه زیباشناختی و عمل متقابل اثر و مردم خود را نمایان می‌سازد. هر دریافت جدید با حرکت از یک معنای مورد انتظار یا موجود از قبل اتفاق می‌افتد و باعث طرح سؤالی می‌شود که روند تفسیر را به حرکت در می‌آورد. برای درک معنا و مفهومی که خواننده در اثر می‌یابد یا سؤالی که از آن می‌پرسد

مطالعه شرایط تاریخی و ادبی ضرورت می‌یابد زیرا قضاوت زیباشناختی خواننده بر اساس آثاری صورت می‌گیرد که با ذائقه زمان او مطابقت دارند.

مردم فرانسه که شاهد تغییر چندین رژیم سیاسی بوده و حکومت جمهوری کوتاه مدت نیز با کودتای ۱۸۵۱ و استقرار امپراطوری دوم به سرخوردگی آن‌ها انجامیده است، دورهٔ بیان احساسات شخصی را پشت سر گذاشته و به بینشی واقع‌گرا روی آورده‌اند. در حقیقت این ترجمه در زمانی ارائه می‌شود که اندیشه‌های رمانتیک و دورهٔ تعهد سیاسی نویسنده سپری شده و دوره جامعه‌ای با دغدغه ثروتمند شدن و سرگرمی‌های سخیف فراسیده است. گسترش زیرساخت‌ها، رواج سیستم بانکی و ظهور اشکال جدیدی از تجارت همچون مجتمع‌های بزرگ تجاری چهره شهرها را دگرگون می‌سازد و بورژواهای ثروتمند را بیش از پیش قدرتمند می‌کند. در این زمان نویسندگان که از وضع موجود ناراضی هستند به دو شیوه واکنش نشان می‌دهند: یا همچون بودلر، به خیال و جستجوی یک ایده‌آل پناه برده و بتدریج جریان ادبی سمبولیسم را شکل می‌دهند یا همچون فلوربا با اهمیت دادن به فرم و بازسازی دقیق واقعیت سعی در اثبات برتری هنر دارند. مکتب رئالیسم که با آثار استاندال و بالزاک از درون مکتب رمانتیسم زاده شده بود می‌رفت تا کم کم زمینه‌ساز بروز چهرهٔ جدیدی از خود به نام ناتورالیسم شود که در سال ۱۸۶۰ برادران گنکور آن را اعلام کرده و زولا شاخص‌ترین چهرهٔ آن می‌شود.

باید افزود که تا این زمان آثار متعددی از ادیبان ایران زمین همچون فردوسی، خیام، رودکی و... به فرانسه ترجمه شده بود و اکثر نویسندگان فرانسوی با ادبیات سرزمین پارس، بخصوص گلستان سعدی که بارها و بارها به این زبان ترجمه شده بود، آشنا بوده و در موارد بسیاری به اقتباس مستقیم یا غیرمستقیم از این آثار پرداخته بودند، و مسائلی را که به طبع خوانندهٔ زمان آشنا می‌نمود، مطرح کرده بودند. حکایات سعدی نیز در بیشتر موارد حاصل تجربیات او از دیده‌ها و شنیده‌هایش بوده و، مطابق با جریان رئالیسم، «مسائل زندگی را که انسان در اوضاع مختلف با آنها مواجه می‌شود موضوع بحث و تدقیق» قرار داده‌اند (فرهنگ سعدی پژوهی: ۱۰۱) چنانکه علی جمال‌زاده می‌گوید: «سعدی بلا شک آدم واقع‌بینی است و سخنانش اتکا بر تجربه‌ی علمی دارد و تا حرفش اساس استوار نداشته باشد بر زبان و قلم جاری نمی‌سازد» (همان، ۴۳۱). در حقیقت «سعدی با دیدی واقع‌بین و مبرا از هرگونه آرمان‌گرایی ریشه خصلت آدمیان را آن چنان که هستند [...] باز می‌شناسد» (همان، ۱۱۳) و بدین ترتیب خواننده ترجمه گلستان توجه خود را بر عناصری متمرکز می‌کند که متناسب با تجربه

زیباشناختی عصر خویش، معنایی جدید به اثر بخشیده و آن را در چرخه تحول تاریخ و ادبیات ماندگار می‌سازد.

### ترجمه‌های ارائه شده از گلستان سعدی در قرن بیستم

«قرن بیستم را به نام‌های گوناگونی از قبیل: «عصر صنعت»، «عصر ملیت»، «عصر دموکراسی در مقابل دیکتاتوری»، «عصر جنگهای جهانی»، «عصر طبقه متوسط» و «عصر فروید» نامیده‌اند» (جهان در قرن بیستم، ۴). پیچیدگی و ناهمگونی این عصر به تولیدات انبوه و متنوعی در ادبیات منجر شده است که در میان آن‌ها، دو ترجمه هم از گلستان سعدی دیده می‌شود. دلیل راهیابی این اثر ایرانی به این دوره از زمان را تنها می‌توان در ساختار تاریخی و زیباشناختی افق انتظار خوانندگان آن جستجو کرد.

سال ۱۹۰۴: این ترجمه را فرانز توسن، نویسنده شترق‌شناس و سناریست فرانسوی و مترجم آثار شرقی بسیاری از عربی، فارسی و سانسکریت انجام داده است. براساس نظریه‌های دریافت، سؤالی در پاسخ متن موجود است که هر دوره آن را به شکلی متفاوت می‌پرسد. از آنجا که هنر خواهان بالقوه بودن معناست و تمایلی به پرسیدن سؤال مستقیم ندارد، این سؤال و جواب معمولاً ناواضح و محصول گفتگوی فردی حاضر با گفتمانی از گذشته است. در صورتی فرد در این گفتمان چیزی می‌یابد که پاسخی ناواضح به سؤالی که وی از آن می‌پرسد ارائه شود و در این بین، نمی‌توان از فاصله تاریخی و اختلاط افق‌ها چشم‌پوشی کرد. حال باید شرایط تاریخی و زیباشناختی، یعنی رویدادهای مؤثر در زندگی و بینش اجتماعی خوانندگان و نیز آثار تولید شده و قواعد مضمونی و ساختاری غالب دوران را بررسی نموده و میزان مطابقت میان آن‌ها و مفاهیم و مضامین و ساختار اثر منتشر شده را مورد ارزیابی قرار داد تا بتوان به افق انتظار خواننده و سؤال و پاسخ نهفته در گفتگوی او و اثر دست یافت.

در این قرن، دیگر مطالعه تاریخ یک جامعه به تنهایی پاسخگو نیست و بدلیل گسترش بیش از پیش ارتباطات و نیز نزاع‌هایی که از مرزهای ملت‌ها فراتر می‌روند رویدادهای جهانی تبدیل به فصل تاریخی مشترکی میان جمع بسیار کثیری از خوانندگان می‌شوند. سال‌های ابتدایی قرن بیستم، سال‌های پیشرفت سریع علم و تمدن و تکنولوژی بخصوص در میان کشورهای اروپایی است. بشر در حالی به این قرن پا گذاشته است که به آینده خود بسیار



امیدوار است و گسترش تمدن‌ها به او این نوید را می‌دهد که نسل آینده نسلی عاقل‌تر و بهتر بوده، هر آنچه خلاف اخلاق است روزی ناپدید شده و بشر به کمال خواهد رسید (همان، ۱۵). از طرف دیگر بروز بحران‌های متعدد پایه‌های این خوشبینی را متزلزل می‌کند. در فرانسه، مسئله دریفوس<sup>۱</sup> حزب راست ملی‌گرا و کاتولیک را در مقابل چپ جمهوری‌خواه قرار می‌دهد، جدایی کلیسا از دولت اعتراضات محافل کاتولیک و محافظه‌کار را بدنبال دارد و بالا گرفتن کشمکش‌های بین‌المللی احتمال بروز جنگی قریب‌الوقوع را افزایش می‌دهد. در این سال‌ها بحث‌های شدید عقیدتی و سیاسی رونق داشته و نویسندگانی چون آنا تول فرانس، رومن رولان و موریس بارس<sup>۲</sup> در آن‌ها مشارکت فعال دارند.

از بعد هنری، این مقطع زمانی مختص به اختلاط قالب‌ها و اندیشه‌هاست و به گفته دکتر جواد حدیدی «دهه پایانی قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ را می‌توان دوره انتقال دانست. دوره‌ای که ادبیات و هنر هنوز مسیر تازه‌ای بر نگزیده و در جستجوی روشی دیگر است» (۱۳۷۳، ۱۳۷). گرچه مباحث عقیدتی و سیاسی در پی ارائه تعریف جدیدی از ارزش‌ها هستند ولی از نظر ادبی هنوز همان قرن نوزده در ساختارهای اصلی آن ادامه می‌یابد. در نیمه دوم قرن نوزده آثار سمبولیست بودلر با نامطمئن سازی مرز میان نظم و نثر و نیز آثار ناتورالیست زولا با ادعای بررسی علمی رفتار انسان انتشار یافته و خوانده می‌شدند. نویسنده مطرح دیگر و به نوعی معرف افق انتظار غالب این عصر هم آنا تول فرانس است که بی‌عدالتی‌های اجتماعی را شدیداً نقد کرده و همچون ولتر و دیگر فلاسفه عصر روشنگری به ناشکیبایی و تعصب تاخته است. آثاری همچون مائده‌های زمینی، اثر آندره ژید (۱۸۹۷) در قالب نثر شاعرانه و به صورت مخلوطی از نثر و نظم انتشار یافته است. جمیع این موارد اثر شاعر ایرانی را هم از نظر مضمون و هم از نظر فرم و ساختار در چهارچوب‌های تنظیم یافته افق انتظار خواننده ابتدای قرن قرار می‌دهد همچنان که اقتباس از گلستان و دیگر آفرینش‌های ادبی سرزمین پارس در قالب آثاری از قبیل نمایشنامه پلئاس و ملیزاند موریس مترلینک<sup>۳</sup> (۱۹۰۲) نام او را به گوش خواننده آشنا نموده بود.

سعدی که در گلستان نثری آهنگین و شاعرانه دارد متناسب با مکتب ناتورالیسم تأثیر وراثت بر رفتار انسان را بسیار بزرگ می‌بیند، چنان که اظهار می‌دارد: «عاقبت گرگ زاده گرگ

1. Dreyfus

2. Anatole France, Romain Rolland و Maurice Barrès.

3. *Pelléas et Mélisande* de Maurice Maeterlinck.

شود/ گرچه با آدمی بزرگ شود» (گلستان، ۶۴) و به گفته سعید نفیسی «سعیدی قطعاً یکی از استادترین شاعران ناتورالیست جهان است» (فرهنگ سعیدی پژوهی، ۴۰۴). انسان‌گرایی نیز از خصوصیات بارز آثار این نویسنده است و او را از پیشگامان این امر، نه فقط در ایران بلکه در جهان، شمرده‌اند (همان، ۳۹)؛ جنبه‌های فلسفی این اثر هم پیش از این نویسندگانی چون ولتر و دیدورو را مجذوب خود ساخته بود. بدین ترتیب، با توجه به اینکه افق انتظار هر خواننده ترکیبی از حال و گذشته است، مجموعه‌ای از پاسخ‌های نو به همراه پاسخ‌هایی که این اثر به درخواست خوانندگان سده‌های پیشین داده بود، دست به دست هم داده تا ترجمه‌نویسی از گلستان را با طبع خوانندگان سازگار سازد.

سال ۱۹۷۷: در این زمان پیرسگرس<sup>۱</sup> ترجمه‌ای همراه با مقدمه و یادداشت ارائه می‌دهد. او خود از بزرگترین ناشران فرانسوی در زمینه شعر است و ترجمه‌هایی از خیام، حافظ و ... منتشر کرده است. ترجمه نوعی از دریافت خواننده است؛ در واقع، دریافت یک اثر به معنی استقبال از یک اثر گذشته در دوره‌های زمانی بعد است که گاه به شکل تسلسلی و زنجیره‌ای تحولی در اعصار مختلف تداوم می‌یابد و گاه به علت عدم هماهنگی با افق انتظار خواننده دچار گسستگی موقت یا دائمی می‌شود. خواننده هم‌زمان نقش دریافت‌کننده، منتقد و گاه تولیدکننده اثر در قالبی دیگر را عهده‌دار است؛ او با تخیلاتی ناشی از تجربه‌های فردی، تاریخی و اجتماعی به خوانش و تفسیر متن می‌پردازد؛ خوانش او گاه سطحی و گاه منتقدانه بوده و می‌تواند به تولید اثری جدید خواه با برداشت متفاوتی از همان متن، خواه با اضافه کردن تفاسیری به آن و گاه با بازنویسی کامل و اساسی اثر اولیه منجر شود. تخیلات هنری او و تفاسیر او در طی تجربه خوانش می‌توانند در تکوین و انتقال انگیزه‌های رفتارهای اجتماعی‌اش مؤثر واقع شوند. خوانشی که خوانندگان فرانسوی در طی قرون مختلف از گلستان سعیدی داشته‌اند در زنجیره‌ای مداوم به دریافت مجدد آن در نیمه دوم قرن بیستم در قالب ترجمه، که نوعی بازنویسی اثر اولیه است، می‌انجامد. برای درک تخیلاتی که در حین عمل خوانش بر خواننده این دوره چیره شده و دریافت او را شکل داده‌اند، باید بافت اجتماعی و ادبی آن زمان را مورد بررسی قرار داد.

در این دوره از تاریخ، نویسنده و خواننده ابعادی جهانی یافته و جهان وطنی ادبی بیش از هر زمان دیگری معنا و مفهوم یافته است. رویدادهای جهانی عظیمی بینش خواننده را متحول

ساخته و تفکر سال‌های ابتدایی قرن مبنی بر ایمان به آینده‌ای بهتر برای بشریت را در جهتی عکس سوق داده است. دنیا دو جنگ جهانی را پشت سر می‌گذارد و گسترش سلاح‌های نوین و انفجار بمب اتمی بر فراز هیروشیما و ناکازاکی و نیز آزمایش نخستین بمب هیدروژنی توسط شوروی احتمال خطر خودویرانگری انسان را به وجود آورد؛ دنیا میان دو ابرقدرت اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا تقسیم می‌شود و جنگ‌های ویتنام، اسپانیا، کره، هندوچین، هند و پاکستان و... و نیز جنگ‌های استعمار زدایانه و استقلال طلبانه در الجزایر رخ می‌دهد. این موارد بشر را آرزومند صلح، اعتدال و آرامشی نسبی می‌سازد که به رؤیایی دست نیافتنی شبیه است.

در فاصله ترجمه ابتدای قرن تا چاپ این ترجمه جدید، رسانه‌های جمعی بسیار گسترش یافته، ناهمگونی جوامع به ارائه تعریف‌های نوینی از ادبیات منجر شده و ورود علوم روانکاو، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی به عرصه ادب، فوران دیدگاه‌های جدیدی را سبب شده است. تمامی شرایط تاریخی و ادبی باعث طرح سؤالاتی راجع به شرایط بشری و لزوم تعهد نویسنده در بیان درسی سیاسی، اخلاقی یا فلسفی شده و فلسفه‌ای چون اگزیستانسیالیسم متولد می‌شود؛ در حواشی جنگ‌های جهانی، نویسندگانی همچون ژیرودو و دوامل<sup>۱</sup> بر قبول سرنوشت، گسترش حس برادری، حفظ ارزش‌های روح و دفاع از تمدن علیه خطرات تهدید کننده‌ای چون نظم استبدادی یا بردگی ماشینی تأکید ورزیده بودند. آثار سارتر نیز نسلی را به تصویر می‌کشد که در جستجوی پاسخی برای نگرانی‌های خود است (تاریخ قرن بیستم، ۳۶۸) و کامو خواهان ارزش‌هایی نظیر عدالت و برابری است (همان، ۳۶۹).

خواننده زمان با تمام نگرش‌ها و نگرانی‌های حاصل از شرایطی که در آن قرار دارد به خوانش اثری ایرانی می‌پردازد که تعالیمش بر حکمت عملی و اخلاقی استوار است و خودسازی انسان را بر تمامی پیشرفت‌ها مقدم می‌شمارد و این همان نکته‌ای است که، در کنار سایر راه حل‌های ارائه شده توسط نویسندگان و فیلسوفان، پاسخی به دغدغه‌های فکری بشر ارائه می‌دهد و به او می‌آموزد که تمدن‌سازی را باید بر انسان‌سازی بنا نهاد. خواننده، علاوه بر آثار فلسفی دوران، آثار دیگری را هم دریافت داشته که نام سعدی را در خاطره‌اش محفوظ نگه داشته‌اند. همچنان که گی یو دو سه<sup>۲</sup> در فاصله سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۶۱ داستان‌هایی با الهام از سعدی، ارزش اخلاقی حکایات او و نیز رقت احساسات و نکته سنجی وی به نگارش

1. Giraudoux و Duhamel

2. Guillot de Saix

در آورده بود (حدیدی، ۱۳۵۶، ۵۶-۵۵). آراگون هم در تدوین مجموعه اشعار مجنون الزا<sup>(۱۹۶۳)</sup> که تناوبی از نثر و نظم است، از سعدی الهام گرفته بود. هانری دو مونترلان نیز که زندگی خود را بیشتر در سفر گذرانده، و از این حیث به سعدی شباهت دارد، مجذوب واقعیت‌گرایی و جهان‌بینی شاعر ایرانی بوده و مفاهیمی که به عشق و مرگ و زندگی می‌دهد را مدیون اوست. سعدی همچون بسیاری از نویسندگان این دوران هنر خود را وسیله‌ای برای پیروزی بر مرگ و سرنوشت می‌پندارد و قصد خود را تألیف اثری می‌داند که: «باد خزان را بر ورق او دست تطاول نباشد و گردش زمان عیش ربیعش را به طیش خریف مبدل نکند» (گلستان، ۳۰). بدین ترتیب در این برهه از زمان نیز، هم نگرش سعدی به اثر هنری و هم مفاهیم فلسفی و اخلاقی که در تقابل با نوع بشر، دنیا و مرگ در اثر وی یافت می‌شود، پاسخگوی نیاز خواننده بوده و در جذب وی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

هانس روبر یاس آلمانی، در کنار سایر اندیشمندان مکتب کنستانس، نظریه زیباشناسی دریافت را مطرح می‌کند که نقش خواننده را در معنا بخشیدن به اثر و بقای آن بسیار مهم می‌داند؛ از نظر وی ادبیات و هنر در صورتی تبدیل به فرآیند تاریخی می‌شوند که کسانی آن‌ها را پذیرا شده، از آن‌ها لذت برده و راجع به آن‌ها قضاوت کنند. در حقیقت، حیات اثر ادبی در تاریخ بدون شرکت فعال کسانی که اثر خطاب به آن‌هاست قابل تصور نیست؛ مداخله آن‌هاست که اثر را در تداومی پویا از تجربه ادبی وارد می‌کند، تجربه‌ای که افق‌هایش دائم در حال تغییر بوده و گذر از دریافتی منفعلانه به دریافتی فعال، از خوانشی ساده به فهم منتقدانه، از قواعد زیباشناختی پذیرفته شده به عبور از آن‌ها با تولید یک محصول جدید دائم در حال اتفاق است.

زیباشناسی دریافت با روش‌هایی که فهم اثر را بر اساس جامعیت معنایی فرازمانی یا تنها بر روی فهم فرآیند تاریخی قرار می‌دهند منافات دارد، با این وجود خود یک روش مستقل نبوده و در کنار دانش‌هایی همچون تاریخ، جامعه‌شناسی و ساختارشناسی و ... نتایج کامل‌تری به دست می‌دهد زیرا مجموع این عوامل در تشکیل و تکمیل بینش فرد دخیل بوده و بر عمل خوانش وی و در نتیجه دریافت او از اثر تأثیرگذار هستند.

هر اثر متناسب با شرایط تاریخی و اجتماعی خواننده و نیز متون خواننده شده قبلی و قواعد زیباشناختی مرسوم در هر دوره قضاوت می‌شود و خود به وجود آورنده معناهای جدیدی برای داوری آثار آینده است. معنی حاصل گفتگوی فرد با متن است و برای اینکه یک اثر گذشته به تأثیر ادامه دهد باید توجه پنهان یا آشکار متأخرینی را برانگیزد که دریافت آن را تداوم بخشیده یا گره زننده ریسمان پاره شده آن هستند. بدین ترتیب اگر اثری در طول زمان شاهکار باقی بماند بدان معنی است که از معناهای بالقوه بالایی برخوردار بوده و توانسته است پاسخ مناسبی به سؤالات متفاوت خوانندگان هر عصر ارائه دهد. نقش داوری زمان در دریافت آثار بسیار مهم است.

تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در طی زمان دائم در تغییر هستند و بدیهی است که ذائقه ادبی خوانندگان هم ثابت نمی‌ماند. طبق گفته هانس روبر یاس اگر اثری با افق‌های انتظار خواننده همخوانی نداشته باشد و به عبارتی فاقد ارزشی نوآورانه باشد از گردونه خوانش و در نتیجه تاریخ ادبیات خارج خواهد شد. حال آنکه می‌بینیم اثر شاعر و سخن‌پرداز ایرانی قرون وسطی میلادی نه تنها در مشرق زمین که در مغرب و به خصوص در کشور فرانسه هم متناسب با خصوصیات هر دورانی حرفی برای گفتن داشته و توانسته خواننده خود را باز یابد، امری که شاید برای بسیاری از نویسندگان مقدم و مؤخر آن سرزمین صدق نکند. در قرن هفده که اولین ترجمه از این اثر باب آشنایی مردم فرانسه با آن را باز می‌کند، متناسب با اهداف سیاسی دربار و ایده‌آل «انسان شریف» مضامین اخلاقی اثر بیشتر از سایر جنبه‌های آن مورد توجه قرار می‌گیرد؛ در عصر روشنگری خصوصیات فلسفی و انتقادی اثر و دفاع آن از حقوق ضعفا و عدالت اجتماعی مورد طبع خواننده واقع می‌شود؛ در قرن نوزده متناسب با تناوب حکومت‌ها، برخی از ویژگی‌های ساختاری و مضامین مشترک با مکتب رمانتیسم و پس از آن جنبه‌های واقعیت‌گرایی آن در افق انتظار خواننده جای دارد و در قرن بیستم که مملو از پیچیدگی‌هاست مجموعه‌ای از همه این عوامل در کنار هم دریافت اثر پارسی را تداوم می‌بخشد. اینچنین است که اثر شاعر شیراز، حتی در قالب ترجمه، که به یقین منعکس کننده تمام زیبایی‌های ساختاری و محتوایی آن نیست، اعتدال عقل و تخیل، فلسفه عقل سلیم، اخلاق عملی و سبک هموار خود را با درخواستهای خواننده غربی و بخصوص فرانسوی همگام و موافق یافته و پس از گذشت قرن‌ها همچنان جایگاه خود را نزد آن‌ها محفوظ نگاه داشته است.

در حقیقت بیشتر افرادی که شناختی از ادبیات شرق و زبان فارسی داشته در گلستان مواردی مطابق با طبع خود و ملتشان یافته و مصمم به ترجمه و بازآفرینی این اثر در زبان خود

شده‌اند. در جستجوی پاسخی برای این سؤال که چه چیز این مترجمان را که خود خواندگانی برخاسته از بینش، فرهنگ، تمدن و دوره‌ای بسیار متفاوت از سعدی و نیز خوانندگان پارسی زبان اثر وی هستند شیفته و مجذوب خود ساخته است، مطابق با نظریه دریافت زیباشناختی یاس، باید به مطالعه اثر ایرانی و نیز ابعاد سیاسی-اجتماعی و ادبی زمان این خوانندگان پرداخت. مطالعه ای که در نهایت مفسر را به این نتیجه اجمالی می‌رساند که توجه خواننده غربی به شاهکار نثر سعدی به این علت است که این اثر در واقع دربرگیرنده بسیاری از صفات و مواهبی است که جمال شناسی نوین خواستار آن است. از این صفات می‌توان به قالب و زبان به کار گرفته شده، جنبه اخلاقی اثر، دیدگاه‌های فلسفی، اجتماعی و سیاسی آن، مضامین متنوع، واقع‌گرایی و... اشاره کرد که تاکنون خوانندگان آن‌ها را مطابق با افق انتظار خود یافته و به عنوان پاسخی در برابر پرسش‌های متفاوت خود پذیرا شده‌اند.

#### منابع

- اسنایدر، ل. (۱۳۴۲)، جهان در قرن بیستم، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، فرانکلین.
- برشتین، س، میلزا پ (۱۳۷۱)، تاریخ قرن بیستم، ترجمه امان الله ترجمان، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حدیدی، ج. (۱۳۷۳)، از سعدی تا آراگون، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- (۱۳۵۶)، برخورد اندیشه‌ها، هشت گفتار، تهران، توس.
- حسن لی، ک. (۱۳۸۰)، فرهنگ سعدی پژوهی ۱۳۷۵-۱۳۰۰، شیراز، بنیاد فارس شناسی.
- خطیب رهبر، خ. (۱۳۷۲)، گلستان، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه.
- کورزین، ف. (۱۳۸۹)، انقلاب فرانسه، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.
- مانفرد آ.، دالین و.، زاگلا دین و.، پولوا س.، اسکازکین، س. (۱۳۶۶)، تاریخ فرانسه، ترجمه فریدون شایان، تهران، پیشرو.
- Amon E., Bomati Y. (2005), *Dictionnaire de la littérature française*, Paris, Bordas.
- Barthes R. (1984), *Bruissement de la langue*, Paris, Seuil.
- Calais E., Doucet R. (1990), *Précis de littérature: par siècles, par genre*, Paris, Magnard.
- Clément H. (1920), "Saadi, poète persan" [Henri Massé, *Essai sur le poète Saadi, suivi d'une bibliographie*], in *Journal des savants*, pp 253-262.

Iser W. (1995), *L'acte de lecture Théorie de l'effet esthétique*, Paris, Langage et philosophie.

Jauss H- R. (1975), *Pour une esthétique de la réception*, Paris, Gallimard.

Kahnamouipour J., Khattat, N., Afkhami A. (2003), *Dictionnaire de la critique littéraire*, Presse de l'Université de Téhéran.

Ricoeur P. (1983), *Temps et récit*, Paris, Seuil.

Salomon P. (1969), *Précis d'histoire de la littérature française*, Paris, Masson et Cie.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

